

باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
گزاره شماره سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور (بخش خاورمیانه)

« جریده باختر امروز »

نشرة

منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
في الشرق الاوسط
العدد الثالث والعشرين
السنة الثانية
المرحلة الرابعة
شباط ۱۹۷۲

سازمان مجاهدین خلق ایران (گروهی که بیش از ۷۵ نفر از آنان در زندانهای شاهند) مسئولیت تعدادی از انفجارات اخیر را بعهده گرفته است . این بهترین نشانه قدرت سازمانی است که با وجود دادن اینهمه قربانی مبارزات قهرآمیز خود را تشدید کرده و نیز نشانه بارزی است از عدم قدرت ارتجاع در نابود کردن مبارزین .

نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۵۰

دوره چهارم

شماره ۲۳ سال دوم

شرح فرار من

از رضا رضانی

... من جریان فرارم را مشروحا میگویم تا برای برادران هم‌رزم تجربه‌ای باشد و این شیوه جدید و ابتکاری ساواک برای برادران انقلابی و مبارز روشن شود. مرا برای دستگیری برادر بزرگترم و همچنین سایر برادران مبارزم تحت فشار قرار دادند و از من خواستند هر نحو که میدانم نقشه‌ای برای دستگیری آنها بکشم. چه خیال باطلی و چه انتظار بیپوده‌ای از يك مبارز داشتند . آنها وقتی دستشان از همه جا کوتاه شده بود برای دستگیری سایرین بمن متوسل شده بودند . قرار شد مرا برای مدت يك هفته برای دستگیری رفقایم در محل‌هایی که آنها دیده شده بودند بگردانند . در صورتی که من آنها را ببینم جلو بروم و آنها را لو بدم . من در محاصره مامور مسلح ساواک قرار داشتم و در وسط ایشان راه میرفتم . چه خیال و انتظار احمقانه‌ای داشتند . ساواک که قبلا باین وسیله وداشتن رد پا از انقلابیون و بزور شکنجه کسان دیگری راسر قرار حاضر کرده و عده‌ای را دستگیر نموده بود باین شیوه خود ایمان کامل داشت . در طول مدتی که مرا با اینجا و آنجا می‌آوردند بارها و بارها برادرانم را دیدم . حتی اتفاق افتاد که از فاصله ۵ متری آنها گذشتم ولی چنان خونسرد و مسلط بر خود بودم که مامورین هیچ نفهمیدند . پنج روز از يك هفته میگذشت . همان‌روز پنجم بود که دیدم منطقه‌ای که در آن می‌گشتم توسط برادرانم که خود را بقیافه‌های مختلف در آورده بودند محاصره شده است . البته بعداً فهمیدم که در همان روزهای اول من در خیابان بوسیله آنها دیده شده و قدم بقدم مرا تعقیب کرده‌اند و نقشه‌هایی برای نجات من کشیده بودند که چون بجم جانم میرفت انجام نقشه را بوقت مساعدتری موکول کردند . بوسیله

« بقیه در صفحه ۲ »

ایرانیان آواره

اخراج تأثرآور ایرانیان از عراق ، و صدماتی که به مردم زحمتکش وارد آور دو سلاح تبلیغاتی وسیعی را که بدست رژیم‌شاه دادعلینغم اقدامات وسیع و همه‌جانبه‌مانجمله کوشش برای تشکیل يك هیئت مختلط از سازمانها و عناصر مترقی و مراجع روحانی برای اعتراض و جلوگیری از آن ، ابعاد بی‌سابقه‌ای یافت . آیت‌الله خمینی در این مورد نگرانی خود را بصورت تلگراف به مقامات عراقی و سخنرانی برای طلاب علوم دینی ابراز کردند . در زیر خطابه ایشان درج میشود .

« بقیه در صفحه ۳ »

افشاء يك توطئه رژیم

توطئه ننگسینی که بهترین بازگویی ضعف و زبونی و بوشالی بودن حکومت و سازمان امنیت آن است از طرف چریکهای فدائی خلق افشاء میشود .

اینجا این توضیح لازم است که عمل چریکی هدف واحدی را تعقیب نمیکند یعنی اگر ما به بانك حمله میکنیم و بانك مامور مسلح دارد در عین حال به خلع سلاح مامورین و مصادره اسلحه آنها نیز خواهیم پرداخت . در انجام این عمل هرگز قصد نابود ساختن مامورین مسلح که خود از رنجکشانی هستند که تحت فشار اقتصادی بخدمت پلیس در آمده‌اند در میان نیست . ما تنها هنگامی دست باینکار می‌زنیم که باجمامش و ادار شویم . فی‌المثل کشته شدن سرباز مسلح بعلت آغاز شلیک از جانب او بسوی ما بوده است و حال آنکه پلیس مسلح بانك که باین کار مبادرت نموده زنده ماند . علت کشته شدن رئیس بانك نیز عدم اطاعت و سرپیچش از انجام فرامین چریکها بوده است . کسی که بخاطر چشمداشت به وعده و وعیدهای دشمن و بخاطر کسب تشویقنامه یا پاداش خوش خدمتی برای دشمنان خلق و ایجاد اختلال در انجام پیروزمندانه عملیات چریکها بپردازد سزایش مرگ است .

اخبار

- در مراسم تشییع جنازه شهید مرتضی شفیعیادر قزوین علیرغم پیش‌بینی‌های قبلی پلیس تظاهرات شدیدی از طرف مردم بعمل آمد . این حرکت خودبخودی مردم نشانه شدت نارضایتی آنها از رژیم و نیز احترامی است که نسبت به عناصر انقلابی خلق دارند. پس از چند انفجار در مؤسسات امریکائی در شیراز شهید شفیعی همراه دو تن دیگر از یارانش (حسین محمودیان و محمدرضا احمدی) در حادثه دانشگاه شیراز بقتل رسید. با وجودی که دولت اعلام داشت که آنها هنگام بمب ساختن از بین‌رفته‌اند ولی شایع است که عوامل رژیم آنها را کشته‌اند . با توجه به شیوه‌های جنائی ساواک و تشکیل « واحد مرگ » امکان صحت این شایعات زیاد است .
- در آخرین لحظه اسامی عده‌ای از دستگیرشدگان مراسم تشییع جنازه مرتضی شفیعیها بدست رسید :
- ۱ - ققیبی ۲ - حسین اولیاء (دانشجوی سال سوم اقتصاد) ۳ - منصور علی‌خانی زمانی ۴ - محمد ابراهیم

« بقیه در صفحه ۴ »

مادر شماره قبل به توطئه‌ها و ضعف رژیم شاه در توطئه با چریکها مفضلا اشاره کردیم . اینک اطلاعیه شماره ۲۰ برای افشاء توطئه رژیم اطلاعیه‌های شماره ۱ و ۲ (چاپ اطلاعیه شماره ۱ سابقه نظر تراکم مطالب در شماره قبل میسر نگشت) چریکهای فدائی خلق ما را در این زمینه از هر تحلیل و تفسیری بینبازر کند و مدارکی روشنند بر اثبات و اماندگی رژیم . ما در اینجا چاپ دو اطلاعیه مربوط به دسیسه رسوا شده شاه بخدمت می‌آوریم .

اطلاعیه شماره ۱

چریکهای فدائی خلق

شامگاه روز يك شنبه ۲۱ دیماه جاری يك واحد از چریکهای فدائی خلق حمله موفقیت‌آمیزی به بانك ملی شعبه مغربه نمودند . در این حمله موجودی بانك و در قبضه اسلحه مارک شهربانی کل کشور که بمامورین مسلح بانك تعلق داشت را مصادره نمودند و دو نفر (محمد علی تشید رئیس بانك و ابراهیم خلیلی مقدم مامور بانك) کشته شدند . این عمل که با رعایت دقیق قوانین اصولی جنگ چریکی شهری انجام گرفت همانند کلیه اعمال پیشین که توسط چریکهای فدائی باین صورت پذیرفت با پیروزی کامل توأم بوده و دشمن با تمام توانگاه عریض و طویل و با همه خفقا و سخندگیریهایش قادر به بدست آوردن کوچکترین ردی نشده است . دشمن که جمل و عدم اطلاع مطلقش نسبت به ضربه‌ای که بدو وارد شده و پراگیج و منگ نموده و از درد بخود میبچشد هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید جز یاره گوئی و جعل و مسخ و نقیسات . می‌گوید دزدان بیش از آنکه قصد دزدی داشت باشند قصد آدم‌کشی داشته‌اند ، « دزدان در عراق دوره دیده‌اند » و تازه‌ترین و بزرگترین یاره گوئی « ضمن تلفقات چهره یکی از دزدان بنام شاهرخ هدایتی شناخته شده است » . در قبال این یاره گوئی ما خود را ملزم میدانیم که واقیبات را برای خلق ایران روشن سازیم . چرا ما به بانك حمله کردیم ؟ چرا سرباز و رئیس بانك کشته شدند ؟ ضمن آن یاره گوئیهایش چه قصدی دارد ؟

ما از حمله به بانك هدف دو گانه‌ای را تعقیب میکنیم : اولاً همین هزینه جنگ چریکی با مصادره بخشی از آنچه که از خلق رنجکش ایران غارت شده و با اندوختن آن بصورت سرمایه غارتگران خلق در بانکها به سرکشیه کردن بزم بیشتر خلق میپردازند . ثانیاً مختل ساختن سیستم بانکی و پول دشمن و بدینگونه وارد ساختن ضربه اقتصادی و روانی به کسانی که ستمگرانه به استثمار خلق پرداخته‌اند .

و گهگاه روی مامورین جوان ساواک که هنوز برذالت حسین‌زاده‌ها نشده‌اند میگذارد.

۳- يك مبارز مجاهد باید محیط زندگی خودش را مثل كف دست بشناسد. محلی که برای فرار انتخاب شده بود جایی است که ساواکی هرگز نمیتوانست بفکرش خطور دهد. این مسئله شیوه ساواک را در دستگیری سر قرار یا بوسیله زندانی بی‌اثر ساخته است. باید مردم در صورت دیدن چنین صحنه‌ای از فرار يك انقلابی حداکثر کمک و حمایت خود را ابراز دارند و مانع تعقیب او بوسیله پلیس شوند. ساواک از شدت خشم ناشی از فرار من رفقایم را مجدداً زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار داد. بگذار این بزدلان ترسو هر کار از دستشان بر می‌آید انجام دهند. علیرغم فشارها و شکنجه‌ها مبارزه ادامه خواهد یافت. خورشید مبارزه مسلحانه در ایران دمیده با فکر و سازماندهی و شرکت همه جانبه مردم ستمدیده و دادن قربانی‌ها خورشید انقلاب هرچه تابناکتر خواهد شد و دیگر اثری از شب نخواهد ماند.

... برای دستگیری افراد فعال خارج از زندان زندانیان را زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار دادند. بگذار این بزدلان ترسو هرکار دلشان میخواهد بکنند. انتقام خلق از آنها بسیار خشن و هولناک خواهد بود. مسلماً آنها نخواهند توانست از چنگال هولناک انتقام خلق جان سالم بدر برند. برخلاف تصور ساواکی‌ها این آنها هستند که باید از انتقام خلق بترسند. مبارزان و مردم ایران باید شیوه‌ای را که مردم قهرمان غزه علیه اشغالگران اسرائیلی بکار می‌برند عمل نمایند. در غزه هر خائنی را بدون هیچگونه رحمی مجازات میکنند. هیچ خائنی از دست انتقام خلق در امان نیست. هر کس با انقلابیون همکاری نکند خائن محسوب میشود. این است که آدم بیطرف معنی ندارد. یا با انقلاب است یا با ضد انقلاب. باین ترتیب هر کس برای آنکه ثابت کند خائن نیست با انقلابیون همکاری میکند چه در غیر این صورت خائن محسوب شده از طرف انقلاب مجازات و اعدام میشود. سزای خیانتکاران را باید نقد و بطور قاطع داد در چنین وضعی است که خائنان و جاسوسان سازمان امنیت در سوراخ خواهند خزید. انقلابیون جان بر کف که در آرزوی شهادت انقلابی و فدا شدن در راه آرمان خلق لحظه شماری میکنند، مجاهدین مبارزی که با تکیه بر حمایت و پشتیبانی مردم بدلگرمی و امید به پیروزی محتوم انقلاب به پیکار عادلانه‌شان ادامه میدهند، خلقی که بنیروی بازوان خود و بقدرت جوانانش ایمان آورده خلقی که امروز جوانان جان برکفش مسلسل بر دوش گرفته‌اند و عازم میدان نبرد شده‌اند تا دین خود را بخلق ادا کنند، سرانجام پیروز خواهند گشت.

افشای يك توطئه

را از کسی میگوید که آنها را در اختیار دارد یعنی از دشمن. همانطور که قبلاً گفته شد ما پول را از بانکها و سلاح را از مامورین مسلح تصاحب میکنیم. دروغ دیگر دستگاه فاشیستی اعلام نام شاهرخ هدایتی بعنوان یکی از چریکهای که در عمل اخیر شرکت داشته بوده است. دشمن بخوبی آگاه است که اعمال موفقیت‌آمیز چریکها او را نزد خلق بی اعتبار ساخته و پوشالی بودن تبلیغاتش را مبنی بر قدرت سحرآمیز سازمان امنیت و شکست ناپذیری پلیس و ارتش شاهنشاهی را بخلق می‌نمایاند. و باز بخوبی میداند که هر آینه غولی را که دستگاه از خود در اذهان مردم ساخته است دور بزند دیگر در برابر قدرت بیکران خلق لحظه‌ای نیز تاب مقاومت نخواهد داشت. از این رو میکوشد تا با وارونه

ساختن واقعات، قلمداد سازد که عمل چریکها با آن در تن همراه بوده یا لااقل با موفقیت کامل توأم نبوده است. معانه دروغی که سازمان امنیت سر هم بندی کرده است چوب تبر هدفی را تعقیب میکند. واقعت چنین است که بدینش هدایتی مهندس کشاورزی رزمنده صادق و دلیری کار اثر عشق به تحقق بخشیدن آرمان خلقش به مبارزه چاللی و مبادرت ورزیده بود سه ماه قبل دستگیر شده است و بفشارت اینجاست که چریکی که سه ماه قبل دستگیر شده‌است که عمل دو روز پیش شرکت داشته است. ما بدرستی ندانیم که درخپان سازمان امنیت با این پارتیزان دلامداد کرده‌اند. چه بسا او را در زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ای اجر و سطنائی بقتل رسانده‌اند اگر اینطور باشد آنها بزودی کشته خواهند کرد که در برخورد با مامورین کشته شدند. گونه نه تنها جنایت پلیدشان را پرده پوشی خواهند فدائی بلکه به هدفشان مبنی بر تاموقفیت‌آمیز بودن عمل خند و رسید. لیکن چنانچه این رفیق در زیر شکنجه بقتل رسیده باشد اعلام خواهند نمود که دستگیر شده است و باز سربالیاست تا مابین خواهد شد. بهر صرت ما با توضیح بیشتر این واقعات دشمن را افشاء نموده‌ایم و از تمام کسانی که خود را در پد خلق ایران متمهد میدانند میخواهیم که در افشاءگری‌ها و واقعت نزد دیگران بکوشند.

- زنده باد خلق قهرمان ایران
- مرگ بر شاه خودفروخته
- مرگ بر امپریالیسم
- پیروز باد انقلاب آزادیبخش خلق
- چریکهای فدائی خلق ۲۳ / ۱۰

اعلامیه شماره ۲

چریکهای فدائی خلق در مورد فدائی «شاهرخ هدایتی» و فدائی شهید «سیروس سپهری» اطلاعیه شماره ۱ چریکهای فدائی خلق که بتاریخ ۲۳/۱۰/۵۰ انتشار یافت دسیسه بشیرمانه عوامل ساواک بصوا دیدید سازمان سیا «سازمان جاسوسی امریکا» را در پیچیده شده بود در پیشگاه خلق ایران افشاء نمود. همگ دانستند که رژیم مزدور شاه، چگونه از سر ناچاری میسرپوش گذاردن ضعف خود در مقابل اراده و ایمان انقلابی چریکها و بمنظور انکار حمایت خلق ایران از چریکها که این ضامن پیروزی آنها در عملیات چریکی شان است، یک توطئه‌های پلیدی متشبث میشوند. رژیم آبرو باخت‌امین علیرغم افشاء دروغ‌های بزرگش و علیرغم ارائه دلایل قانع‌میتنی بر ماهیت انگیزه‌های دستگاه، به دروغ پردازی هم گزافه گوئی و یاره پراکنی که در اطلاعیه شماره ۱ چریکهای اشاره شد طرح داستانی تازه را ریخت و نمایندگان ساواک صحنه‌های مضحکی پرداختند. البته نحوه کار چریکها نشان میدهد که چگونه عوامل جهانی امپریالیسم و جاسوسی سیا در این کار دخالت داشته‌اند. این فاشیست‌های بین‌المللی در توطئه چینی و دسیسه‌های طولانی دارند ولی دیگر حنایشان را رنگی نیست قبایل افشاگری پیشگامان خلق و آگاهی خلق این ابزار تبلیغاتی پوسیده و بیهوده‌اند ولی جالبتر از همه چگونگی اجرای نقش توسط عروسکهای خمیسه شب بازی میباشد. آنها که سرنخ حرکتشان در دست ریچاره رئیس سازمان جهانی جاسوسی سیا میباشد در نیمه‌های بدون آنکه کسی شاهد حرکتشان باشد با فشنگ‌های در صحنه نمایش از پیش تعیین شده (سه کیلومتری کوی) از شروع به آرتیست بازی مضحکی نمودند و در طی این خواه کذائی باصطلاح يك نفر کشته و دیگری را زخمی ساختند.

ایمان اشاره بآنها فہاندیم که مامورین مسلح مواظب من هستند. من اول گمان میکردم که سه نفر بیشتر دنبال من نیستند ولی رفقایم که ما را تعقیب میکردند بقیه را شناخته بودند. در روز پنجم ما در خیابان شهباز مقابل ورزشگاه شماره ۳ کنار خیابان ایستاده بودیم. یکی از رفقایم را دیدم که خود را بصورت مرد ژنده‌ای در آورده میخواست کفش ما را پاک کند. ساواکی همراه من گفت که نمیخواهد و دو ریال باو داد. بعد کفش مرا پاک کرد و منم پول خوردی باو دادم. در این بین کاغذ کوچکی حاوی دو نقشه فرار و قرار ملاقات بمن رد کرد. خوشبختانه نقشه اول اجرا شد طبق نقشه آنها من روز پنجشنبه بعد از ظهر بعنوان اینکه رد پائی از برادرم احمد را دارم آنها را بحل موعود کشاندم. موقعیت محل را تشریح میکنم. در خیابان بوذرجمهری مقابل پامنار گرمابه‌ایست بنام جمفری. این گرمابه دو درب دارد که درب پشتی آن بکوچه نوروزخان باز میشود. موقعیت حمام طوری است که هیچکس جز آنها که کاملاً بموقعیت محل آشنا هستند نمیتوانند تصور کنند که در دیگری هم دارد و من که آن منطقه را وجب بوجوب میشناختم آنجا را بخوبی بلد بودم. من طی چند روز مامورین را کاملاً بحسن‌نیت خود معتقد کرده بودم. چنین وانمود کرده بودم که گویا فریفته وعده‌ها و باغ‌سبزهائی شده‌ام که نشانم داده‌اند. آنها بمن میگفتند که رضا اگر بچه‌ها و سلاح‌ها را بیاوری دیگر بر نگردد و من که میدانستم حداقل جرم بخاطر عضویت در مرکزیت سازمان حبس‌اید است حرف‌های آنها را باور نکردم. تازه اگر من در دستگیری رفقایم کمک میکردم میباید در تلویزیون کنار ثابتی حاضر شوم و حرف‌هایی را که بمن دیکته کرده‌اند بخوانم و مثلاً برنامه ضد خلقی رژیم را تأیید کنم و بدینوسیله در تنهایی ابدی مانسم نیکخواه خائن فرو روم. بیچاره رژیم که ثباتش بتأیید يك زندانی متکی است. من بآنها گفتم که شما درب حمام بایستید من برای چند دقیقه داخل میشوم. در اینجا آشنائی است که احتمال دارد رد پائی داشته باشد. مامور گفت منم بیایم؟ گفتم نه. اگر تو بیائی او اعتاد نمیکند. او قبول کرد من داخل حمام شدم و از در دیگر بکوچه نوروز خان رفتم. باتفاق رفقایم از آن محل دور شدیم. از این مسئله تجربیات زیادی میتوان بدست آورد.

۱- در هر حالتی حتی در دام دشمن نباید خونسردی شجاعت و هوشیاری خود را از دست داد و برای این امر باید درک صحیح از قدرت و ضعف دشمن داشت. من که بخوبی در مدت زندانی بودنم انقلابیون را از هر جهت هوشیارتر، تواناتر و شجاعتر از مشق مزدور و بزدل و خرفت بی‌استعداد و ضعیف کش (که از شکنجه پیرمرد در حضور فرزندان یا شکنجه کودک در حضور والدین او خودداری نمیکند) دیده بودم ارزیابی صحیحی از دشمن داشتم.

۲- يك مبارز و پیکار گر وطن‌نپاید هیچگاه کوچکترین فرصتی را از دست بدهد. در هر حالتی حتی در زندانهای خوف دشمن نیز همه چیز را تمام شده تصور نکند و سرشار از روحیه رزمندگی باشد. این روحیه از احساس مسئولیت در قبایل خلق ریشه میگیرد. باید همواره در فکر ادای دین خود بخلق باشیم. يك مبارز حق ندارد در هیچ حالتی مایوس باشد و از پای بنشیند. خلق چنین حقی را بفرزندانش نمیدهد. با دشمن رذل و سفاک حتی درون شکنجه گاه‌هایش و در زیر شلاق‌هایش میتوان مبارزه کرد و باو ضربه زد. بهترین گواه این مطلب تأثیری است که این مبارزان پاک‌سرشت در درون شکنجه گاه‌ها روی سربازان نگهبانان

شکستن دو تن یکی فدائی سیروس سپهری بود که در برخوردی ست. سلطانه که پنج ماه پیش در تاریخ ۱۹ شهریور ۵۰ در خیابانهای چندیب تهران با دشمن داشت مجروح گردید و بنا به شهادت که شام نیش علیرغم جراحات وارده مورد شکنجه قرار گرفت که در برابر عدم مراقبت های پزشکی و برخلاف تمام موازین چریک باطلی و قوانین اسرای جنگی پیمان ژنو در زندانهای شاه و جالب تغار شهادت رسیده است، دیگری فدائی شاهرخ هدایتی ده بود چنانکه در تاریخ ۲۶ مهرماه ۵۰ در برخوردی مسلحانه تی آگست نیروهای خصم اسیر گردیده است و آنطور که از دلیرانه ادمار پیداست اخیرا پس از شکنجه های غیر انسانی انه قریب ای اجرای کامل نمایش نامه ساختگی خود سه تیر پیاپی باو دی اعطای کردند تا اناود سازند که اخیرا دستگیر و مجروح شده است و بدلت. بهرحال ما اطلاع دقیقی از چگونگی رفتاری که با هند کرد فدائی دلیر شده است نداریم. شاید هم او را قبلا کشته خواهد شد و اعلام خبر « حال شاهرخ هدایتی وخیم است » بمنظور ترس و ایجاد شهادت او در چند روز بعد باشد. بهر حال هدف تبلیغ و رژیم شاه با استفاده کامل از تعالیم گوبلز وزیر و افسر تبلیغات آلمان نازی که میگفت: « دروغ هر چه بزرگتر در برهمن پذیرفتنش آسانتر است » چنین دروغ بزرگی را گری و باخته اند و این نقشه بشیرمانه در ملاقاتی که بین سام وزیر اطلاعات رژیم، ابن جوجه گوبلز، با شاه جلا داد که در تاریخ ۱۰/۱۰/۵۰ صورت گرفت بتصویب رسید. این تصمیم طبعاً بهر اراد مقابل خلق از پیش آگاه شده ایران باز هم بیشتر بر مایست، پس چه شد که رژیم باین رسوائی تن در نعلق ایران. واقعت اینست که برای این مزدوران حمایت خلق ۱۰/۱۰/۵۰ قی نندارد. آنچه که مهم است رضایت ارباب است. اما این نمایش نامه مضحک را بر اساس يك شیوه همیشگی داده اند.

هدایتی این شیوه ترتیب دادن این چنین مضحکه هائی بهنگام در اربابان امریکائی بمنظور خوشایند آنها و اظهار چاکر اریستش مطلق میباشد. با آگاهی باین شیوه رژیم پی میبریم که در این منزمانی این صحنه سازی مسخره با ورود وزیر درباری ایران و کار با بران - وزیر درباری امریکا بمنظور ایجاد پایگاه های گکار علمی، دریائی در خلیج و جایگزینی استعمار نوین امریکا ان بمنظور استعمار کهن انگلیس با ایران آمده است - اتفاقی نبوده است. که این نمایش نامه مضحک را در دست بدلیل ورود وزیر درباری ، به امریکا ترتیب داده اند تا چاپلوسانه صداقت، خود را در اجرای شیطانی و حفظ منافع اربابان در ایران نشان دهند. ما ال کل زندگان فدائی خلق بار دیگر پیمان خود را مبنی بر ایثار دازی با هر شکل و گونه ای که باشد در مقابله با امپریالیسم و بلک های زنجیری آت تجدید مینمایم. ما پیمان بسته ایم که آخرین قطره خونمان از پای نشینیم ما انتقام رفقای شهیدمان را بیکانگان و عوامل سياهکارشان در داخل خواهیم سازد. همچنانکه عهد بسته ایم انتقام تمام مظالمی را که این کتبه شیطانیان بر خلق میبازان اعمال شده است بستانیم.

مرگ بر شاه جلا داد!
مرگ بر امپریالیسم و مزدوران ایرانی آن!
درد به فدائیان شهید!
زنده باد خلق ستمدیده و مبارز ایران!

ی که از عموم میهن پرستان که این اطلاعیه بدستشان - می رسد بن قیام کنیم که آت را تکثیر کنند و در اختیار سایر میهنان بختند.

خطابه آیت الله خمینی

بسمه تعالی

جمعه ۱۲ ذیقعد ۹۱.

برنامه رسول اکرم (ص) قبل از مهاجرت بمدینه روز هائی که در مکه بسر میبردند فقط تبلیغ الی اله و معرفی ذات مقدس حق تعالی، موعظه و معرفی اسلام بود. یارانی نداشتند تا بتوانند با کمک آنان با مشرکین بجنگند و اسلام را گسترش دهند و همانطور که در قران ملاحظه میفرمائید سوره هائی که در مکه نازل شده فقط جنبه پند و موعظه و معرفی اسلام را دارد و از جنگ و جدال صحبتی نیست و حتی احکام در آن کمتر ذکر شده و آنروز که حضرتش با آن وضع شکست خورده و ناگوار از مکه خارج گردید، افراد عادی که سطحی فکر میکردند نمیتوانستند پیشبینی کنند که این مهاجرت چه مصالحتی بدنبال خواهد داشت. لکن وقتی که بمدینه تشریف بردند معلوم شد چه نتایجی بر هجرت ایشان مترتب بود و چگونه توانستند اسلام را در مدینه گسترش دهند و یارانی پیدا کنند و بالاخره با فتح و ظفر بمکه باز گشتند، بان نحو که بزرگان قریش نزد آن حضرت خاضع شدند و حضرت هم آنان را آزاد ساخت.

اکنون اگر چه عده کثیری از ایرانیان بر اثر اختلافاتی که بین دولتها هست وجه المصلحت شده اند و با این وضع فجیع از مملکت بیرونشان میریزند لکن ممکن است مصالح بزرگی در کار باشد که ما نمیدانیم و خداوند تعالی همانطور که حضرت رسول اکرم (ص) را فاتح و غالب بیکه برگردانید شما را باین حوزه باز گرداند و روزی برسد که نجف بیش از حالا قوی باشد، ما اطمینان داریم که دیر یا زود حوزه علمیه بحال اول خود باز میگردد و شما انشاء الله اگر بوظائف دینی و علمی خود عمل کردید باز بنجف بر میگردد. بار علم بار سنگینی است که بعده شماست. آنطور نیست که تنها وظیفه شما تحصیل مشق الفاظ و مفاهیم باشد بلکه حفظ اسلام و احکام اسلام است که شما سپرده شده و شما امین وحی الهی هستید و باید در ضمن تحصیل علم مشغول تهذیب نفس هم باشید و چنانکه غیر را تبلیغ میکنید نفس خود را هم اصلاح نمائید. و وظائف خود را فراموش نکنید با هم صلح و صفا داشته باشید دسته بندی و اختلافات را کنار بگذارید، با هم برادر باشید، با روح واحد و صفای باطن برای اسلام کار کنید. شما اهل علم هستید و هم از يك ریشه و ورق يك شجره میباشید و اگر شما بعد خود وفا کنید خدای تعالی هم وفای بعهده خواهد کرد و شما را مجوز باز خواهد گردانید و انشاء الله باز در اینجا یکدیگر را ملاقات میکنیم و اگر من که روزهای آخر عمرم را میگذرانم در میان شما نبودم شما هستید و بار دیگر در اینجا مجتمع خواهید شد. در هر صورت مسئله زوال حوزه در کار نیست. حوزه سرچایش باقی خواهد بود و صرفنظر از جنبه های معنوی و الهی اصولا از نظر موازین طبیعی هم زوال حوزه های علمیه معنی ندارد زیرا حوزه ها مورد توجه تمام مسلمین بخصوص شیعه میباشد و پشتوانه آن ملت ها هستند و آنچه ملت ها پشتیبانش باشند دولت ها نمیتوانند با آن مبارزه کنند. دولت ها زود گذرند و عمرشان کوتاه است. پشتوانه نجف ملت های بزرگند و از این نظر محفوظ خواهد بود. اکنون در حوزه ما محصلین افغانی، پاکستانی، هندوستانی، عراقی و دیگر ممالک عربی مشغول تحصیلند و این دولت که اصلا نمیتوان نام آنرا دولت گذارد قدرت ندارد که در برابر ملت ها ایستادگی کند و اگر با من و شما معارضه نماید ما با آنها معارضه خواهیم کرد.

اخراج کردند دیگر آقایان که از ممالک دیگرند باید بایستند و بوظائف دینی خود اهمیت دهند، مثل شامائل فوجهای سربازی است که اگر دشمن بفوجی حمله کرد و آنرا شکست داد فوجهای دیگر پا برجا مانده و جای گروه های از بین رفته را میگیرند. دشمن از خدا میخواهد که وقتی يك گروه سرباز را از پای در آورد بقیه پای بفرار گذاشته و میدان را خالی کند. آقایانی که از دیگر ممالک در اینجا هستند باید پا برجا باشند و بتحصیل علم و تهذیب نفس ادامه دهند و اگر مراجع و من که یکی از طلاب هستم از اینجا رفتیم باز لازم است که آقایان بمانند و بوظائف خود عمل نمایند. البته رفتن من روی مصالحی است که ممکن است بسیاری ندانند ولی دیگر آقایان باید بمانند و سنگر را خالی نکنند و مطمئن باشند آت آقایانی که از اینجا رانده شدند انشاء الله بزودی باز میگردند و وظائف خود را دنبال مینمایند. چنانکه سابقا ما دیدیم که حوزه علمیه خود بهم خورد، چه بهم خوردنی؟! و عده معدودی پریشانحال که همیشه تحت فشار و آزار بودند استقامت و پافشاری کردند، دیری نپایید که ورق برگشت و حوزه بهم ریخته آنروز بصورت حوزه ۵۰۰۰ نفری امروز در آمد و شما هم انشاء الله بان حوزه ملحق خواهید شد و يك جمعیت ۶ - ۷ هزار نفری تشکیل خواهید داد و با آمادگی بیشتری برگشته این حوزه را قبضه خواهید نمود و سیل علماء و طلاب و محصلین بسوی نجف سرازیر خواهد شد. هیچ تزلزل نداشته باشید و سوسه بخورد راه ندهید پشتیبان شما خداست و اهانت ها و اذیت هائی که مینسند بپای خدا حساب خواهد شد شما غالبید مغلوب نیستید. اگر تاریخ ظلم و ستمدیدگان دنیا را مطالعه کنید مینبید که غلبه همیشه با مظلوم است، معاویه با آت قدرت و عظمت و بساطی که داشت از بین رفت و امروز در شام که مرکز سلطنت او بود حتی از قبر او اثری نیست ولی يك طفل خردسال که منتسب به حضرت سیدالشهداء است در آنجا معروف و مورد توجه ملت های اسلامی است و این اثر مظلومیت است. امد ظالم کوتاه است ولی امد مظلوم که پشتوانه اش ملت ها میباشد طولانی میباشد. ما امیدواریم این جمعیتی که الان از اینجا میروند اعم از اهل علم و کسبه بزودی به جایگاه خود باز گردند و من برای کسبه تاسف بیشتر است زیرا اهل علم اگر بحملشان بروند مورد احترام و عزت همگانند و اگر مجوزه دیگر منتقل شوند معزز و محترمند لیکن این کسبه بیچاره آت هائی که سالیان دراز در عراق بوده اند و ابدا در ایران علقه ای ندارند دوست و آشنا و خویشاوندانی ندارند وضع آنها بسیار مایه تاسف است و امیدوارم که ملت ایران با آنها خوش رفتاری کنند و از آنها پذیرائی بعمل آورند. آنها مهانند و من انتظار دارم که ملت شریف و مسلمان ایران با مهانان و برادران خود مهربان باشند، با آنها پناه دهند منزل، پوشاک و غذا بدهند گرفتاری های آنان را بر طرف نمایند و مهمتر آنکه آتانی را که باوضاع ایران آشنا نیستند آشنا کنند. شما آقایانی که با بران میروید سلام مرا برادران ایرانی ابلاغ نمائید و بگوئید که فلانی از شما است دعا دارد که نسبت به برادران رانده شده از عراق که شاید جمعیتشان حدود ۱۰۰ هزار نفر باشد و در بلاد ایران متفرق میشوند تا میتوانید مستقیما کمک کنید خوش رفتاری کنید چنانکه اگر خودتان دچار چنین بلیه و سرنوشتی میشدید آنچه انتظار داشتید نسبت باین بیچارگان رفتار نمائید. از آنان دلجوئی کنید. اینان آواره و دلشکسته اند. از خداوند تبارک و تعالی توفیق همه آقایان را خواستارم و امیدوارم که خداوند این حوزه و دیگر حوزه های علمیه را حفظ نماید و

ای جلاد ننگت باد

بر دیوار کشتارگاه های ساواک و ساواک های شکنجه ، خون تازه زنان و مردان انقلابی شتک زده است. فریاد مادران و کودکان زیر شلاقها و چکمه میرغصبان سازمان امنیت کمتر بخارج رسوخ میکند . در مقاومت خونین رادمردان انقلابی ، انسانیت شگفته و نو معنی و محتوی متعالی مییابد . چوبه های دار و ابزار شکنجه جلادان بخون آغشته میشود و ضجه ها و فریادهای بهترین و مقاومترین فرزندان خلق ما انعکاس صدای مهمیزها را خفه میکند . مقاومت پردرد و طولانی انسانهای در بند ، ددمنشی و خونخواری خشم آلود جلادان هر چه بیشتر بزرگ ضروری ترین وجودها برای ساختن شکوفات ترین جامعه ، می انجامد . این کشمکش انسانیت و هستی با زور و ظلم نفی شونده و نیستی ، حماسه های آفرید که زندگی انقلابی همه مبارزان را جلانی نو می بخشد و بهترین دلیل بر این امر است که رهائی ، آزادی و خوشبختی تنها با نفی روابط موجود و تنها با اضمحلال مناسبات غیر انسانی حاکم بر مین ما ممکن است . امید بساختن فردائی شکوفان ، امید و اعتقاد بانسان ، به امکان آگاهی و رزمندگی او به خلاقیت و مفهوم بزرگش بهمه انقلابیون امکان میدهد که بمانند ، مبارزه کنند ، از پای نشینند و جان دهند. شکنجه گاه های ساواک رنگت زده از خون این دلاوران و لبریز از حماسه زندگی و مرگ آنان است اگر چه امکان شکنجه های بیحد در شکنجه گاه ها برای جلادان وجود دارد ، اگر چه انسان و هر انسان را طاقیتست و متفاوت با آن دیگر ، اگر چه رژیم میتواند این گرانمایه انسانها را به نیستی بکشاند . لیکن آنچه که دستاورد این فرزندان انقلابی کوشنده خلق نظیر پویان ، پاکژاد و حنیف نژاد و مفتاحی و رضائی و دیگران است حماسه طاقی اعلی ، حدود مقاومتی نو و تا دپروز تصور ناپذیر ، اعتلای قدرت انسانی است . نیروی جدیدی است که باعث میشود آزمون که یک انقلابی بخون میغلطد دستی دیگر سلاح او را بر گیرد و در ساختمان فردا شرکت کند . در چنین شرایطی وظیفه داریم بدفاع برخیزیم صدای فریاد دلاوران در زنجیر را پاسخ گوئیم ، صدائی که باید خواب خوش را از چشمه امان دور کند و نگذارد آسوده تماشاگر بمانیم .

نامه های رضا رضائی ، شرح مفصل فرار او و اطلاعیه های چریکهای فدائی خلق و اخبار شکنجه ها با کمک میکند که فعالیت های دفاعی را خستگی ناپذیر وسعت و توسعه بخشم .

تصحیح

در شماره قبل اشتباهاتی صورت گرفته که بدین وسیله تصحیح میشود .

یحیی شماره ۲۳ نیمه دوم بهمن ماه میبایست شماره ۲۲ نیمه اول بهمن ماه و همچنین در ابتدا و انتهای مقاله چهره یک انقلابی یحیی دی ماه بهمن ماه نوشته میشد .

مبارزه انقلابی در ترکیه

قریب ۸ ماه قبل دو تن از رهبران « ارتش آزادیبخش خلق ترکیه » در کوه های سیواس در یک نبرد مسلحانه دستگیر شدند . این دو تن دلاور انقلابی دنیز گزمیش و یوسف اصلان بخاطر جراحات وارده بدت سه ماه در بیمارستان بستری شدند .

۶ ماه قبل حسین اینان یکی دیگر از رهبران این سازمان نیز بوسیله پلیس ترکیه دستگیر شده بود . حکومت فاشیستی ترکیه برای این سه نفر و یک گروه ۲۰ نفری دیگر از مبارزین انقلابی ترکیه دادگاهی تشکیل داد که در آن دادگاه برای ۲۱ نفر تقاضای اعدام شده بود . دو نفر از افراد این گروه را زنان مبارز ترکیه تشکیل میدادند . دادگاه عالی ترکیه حکم اعدام سه نفر را تأیید کرد و بقیه به حبس های طولی المده محکوم شدند . مقارن وقتی که پرونده این سه تن انقلابی بمجلس ترکیه برای بررسی و تصمیم نهائی ارجاع شده بود خبر فرار چند تن از زندانیان انتشار یافت و پلیس و ارتش ترکیه بحالت آماده باش در آمد و ۸۵ هزار نفر به تعقیب فراریان پرداختند ولی کلیه کوشش های ارتجاع ترکیه برای دستگیری مبارزان بی نتیجه مانده است .

دولت فاشیستی ترکیه خبر فرار فقط ۵ نفر را رسماً اعلام داشته است ولی طبق خبرهای رسیده ۱۷ تن از مبارزان که سه تن آنان از اعضاء « جبهه آزادیبخش خلق ترکیه » و بقیه اعضاء ارتش آزادیبخش خلق ترکیه میباشد موفق به فرار گشته اند . در گذشته نیز همچنان بارها این مبارزان برای فرار از زندان و از سرگیری مبارزه مسلحانه کوشش کرده و از جمله این کوششها یکبار دریافت اسلحه از خارج زندان و زد و خورد مسلحانه با زندانبانان و قوای نظامی و بار دیگر حفر نقب بخارج بود که هیچیک از این کوششها با موفقیت روبرو نگشته بود . ارتجاع ترکیه با متدهائی شبیه متدهای رژیم شاه و اعمال قهر نظامی سعی دارد جلوی کوشش های انقلابی فرزندان دلاور ترکیه را سد کند . نقشه ها و دسیسه های ارتجاع ترکیه نیز همچون رژیم شاه با شکست روبرو خواهد شد . ما خود را با مبارزان انقلابی ترکیه همبسته و هم سرنوشت دانسته و وظیفه انترناسیونالیستی خود میدانیم که از مبارزه بحق و مبارزان دلیر ترکیه با همه قدرت دفاع کنیم .

شکنبه گران

و جاسوسان

استخراج از نامه های رضا رضائی و اطلاعات دیگر گروه ۷۵ نفر .

- ۱ - پرویز ثابتی ۲ - [رضا] عطاپور با نام مستعار دکتر حسین زاده [و حسینی] ۳ - عصار (دکتر جوان اسم مستعار) ۴ - هوشنگ ازغندی (دکتر منوچهری مستعار) ۵ - ناصر خدایاری (تهرانی مستعار) ۶ - قاسمی (مستعار) ۷ - کریم باصر نیا (اسم مستعار) ۸ - اخوان یا محمدی (اسم مستعار عضدی یا ناصری) ۹ - مصطفوی (اسم مستعار) ۱۰ - کمالگر (اسم مستعار کال) ۱۱ - حسینی رئیس زندان مانند یک گوریل کودن و وحشی که منزلش در پشت باغ اوین است ۱۲ - هاپون بهزادی فوتبالیست « محبوب » با ۱۰ سال سابقه کار ۱۳ - فرجی ۱۴ - الهمراد دیلفانی ، مامور حمله گر .

بقیه اخبار

- ۵ - خسروی (سال سوم زمین شناسی)
- ۶ - داریوش بهین آئین (سال سوم کشاورزی)
- ۷ - مرتضی نجفی ۸ - سید عبدالله فقیهی ۹ - اکبر صابری ظفر قندی (سال پنجم مهندسی مکار)
- ۱۰ - فرود فرهنگ (سال سوم مهندسی)
- ۱۱ - توکلی ۱۲ - احمد رضا شاد بختی (سال سوم پزشکی)
- ۱۳ - عبدالله غیرتمند ۱۴ - محمد باقر حسینی
- ۱۵ - رنجبر .

● بالاخره پس از ماهها تأخیر محاکمات سازمان مجاهدین (۷۵ نفر) از دوشنبه ۲۵ بهمن (۱۴ فوریه) شروع دادستان نظامی برای ۴ تن تقاضای اعدام کرده است .

● بالاخره یکی دیگر از جنایات رژیم شاه مستنند هانری لیبرتالیس یکی از ناظرین بین المللی که موفق به از مهندس ناصر صادق (از سازمان مجاهدین خلق ایران) شده است از زبان وی شرح شکنجه خود او و شرح شدن بهروز دهقانی (نویسنده و دوست صمد بهرنگی) را در زیر شکنجه که خود بچشم دیده است مینویسد این فقط جنایتی است از هزاران جنایت دیگر . نیست که خلق ایران انتقام این پاکدلان وطن پرست از شاه جنایتکار خواهد گرفت و راه آنان را ادامه خواهد داد .

● اقدامات متعددی بدفاع از مبارزات و مبارزین این طرف کنفدراسیون دانشجویان انجام شده است . وکلانوری آلبالا ، هانری لیبرتالیس و ژاکلین (ناظرین بین المللی) که پرده از برخی از فجایع میدانند انمکاس وسیع بین المللی یافته است . غذای دانشجویان در امریکا و اروپا و اقدامات دفاعی دیگر نقش موثری در بیدار کردن افکار و جلوگیری از اجرای نقشه های پلید شاه خواهند داشت .

● دکتر محمد علی خنجی یکی از رهبران سابق جبهه ایران طبق خبر ۱۱ بهمن بعلت سکتاره درگذشت . دکتر خنجی فعالیت سیاسی خود را از آن توده شروع کرد ولی پس چند سال بهمراهی عده ای از آن حزب جدا شد و پس از مدتی مبارزه فعاله خود را در جبهه ملی متمرکز کرد و در آشنا کردن جبهه ملی به اصول سوسیالیسم علمی بین سالهای ۱۹۶۹ نقش بسیار با ارزشی را داشت . دکتر خنجی تحمیل مطالعات عمیقی در تکامل تاریخی جامعه ایران است که بخاطر آشنائی وی بادیات در این شیوه تحقیق علمی ارزش بسیاری را داراست .

نشانی پستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon

نشانی بانک
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-13896

بهساعت
ایران ۲ ریبز
لبنان ۷۵ ریبز
عراق ۷۱ ریبز
کویت ۱۰ ریبز
ترکیه ۲۵ ریبز